

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۷/۰۲/۱۲

موضوع: سخنرانی در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير توكلت على الحى الذى لا يموت و استعنت بذى العزة و القدرة و الجبروت ثم الصلاة و السلام على سيدنا و سيد الأولين و الآخرين حبيبنا و حبيب إله العالمين الذى سمى فى السماء باحمد و فى الارضين بابى القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المنتجبين واللعن الدائم على أعدائهم من الآن إلى قيام يوم الدين و نريد أن نمنّ على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثين الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خجسته ميلاد حضرت بقیة الله الأعظم حجة بن الحسن العسکری را به همه جویندگان راه اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان حاضر در این محفل باشکوه و همه شنوندگان عزیز تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. خدا را به آبروی مادرش حضرت صدیقه طاهره سوگند می‌دهم عیدی ما را فرج موفور السرورش قرار بدهد، ان شاء الله.

یکی از موضوعاتی که ناگزیر هستیم در این شب بزرگ و این مکان با عظمت و محفل باشکوه خدمت شما عزیزان به صورت خیلی فهرست وار اشاره کنم، عبارت از اهمّ وظایف یک شیعه در عصر غیبت نسبت به ساحت مقدس حضرت بقیة الله الأعظم و ائمه اطهار است.

همه می‌دانیم که امروز سیل شبهات از ناحیه دشمنان دین، مخالفین اسلام و نواصب، در رأس آن وهابیت به صورت سیل آسا متوجه مذهب نورانی شیعه و فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت است.

دشمنان از تمام امکانات مدرن روز و ظرفیت‌های موجود عصر اعم از فضای مجازی و رسانه‌ای در زیر سؤال بردن عقاید حقه شیعه و مبانی اعتقادی اهل بیت استفاده می‌کنند.

آمارهایی که کارشناسان فضای مجازی اعلام می‌کنند چنین نتیجه می‌دهد که از هر سه فضای مجازی دو سوم آن در اختیار سلفی‌ها و وهابیت است.

در حال حاضر که بنده با شما سخن می‌گویم بیش از سیصد شبکه ماهواره‌ای به زبان‌های مختلف شبانه روز مشغول شبهه‌افکنی و ایجاد تزلزل در اعتقادات جوانان شیعه هستند.

در این بحران وظیفه ما این است که اولاً مبانی اعتقادی خود و جوانان خود را محکم کنیم تا در برابر تهاجم و سیل هجوم نه تنها مقاومت کنند، بلکه هرگونه شبهه و هجمه‌ای را به صورت مستدل و برهانی پاسخ دهند.

آنچه امشب دوست دارم در جمع شما گرامیان به آن اشاره کنم در رابطه با اهم وظایف ما در برابر حضرت حجة بن الحسن (ارواحنا له الفداء) موضوع معرفت و شناخت امام است.

شناخت امام به صورت استدلالی و برهانی به طوری که از آن شناخت تقلیدی برای همیشه خداحافظی کنیم.

اگر از ما بپرسند از کجا می‌دانید امیرالمؤمنین و ائمه هدی به حق هستند و از کجا بر وجود مقدس حضرت بقية الله الأعظم عقیده پیدا کردید، اگر بگوییم به دلیل اینکه پدر و مادر ما بر این مسیر بودند ما هم این مسیر را انتخاب کردیم فرقی میان ما و وهابیت و دیگران نیست.

وهابیت، مسیحیت، آتئیست‌ها و کمونیست‌ها نیست. این افراد هم غالباً می‌گویند پدر و مادر ما مسیحی بودند و ما هم مسیحی شدیم، پدر و مادر ما کمونیست بودند و ما هم کمونیست شدیم.

بنابراین در روایات متعدد داریم که نبی گرامی اسلام و ائمه هدی (سلام الله علیهم اجمعین) فرموده‌اند:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

هرکسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان،

ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۷

«مرحوم شیخ مفید» نسبت به این روایت ادعای تواتر می‌کند. آیا مراد از «یَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ» چیست و

این معرفت چه معرفتی است؟!

تنها همین اندازه که ما بدانیم چهارده نور پاک از طرف خداوند تبارک و تعالی برای نجات بشر معین

شده‌اند، آقایی به نام حضرت مهدی بقیة الله الأعظم در پس پرده غیبت است و روزی خواهد آمد و جهان

را پر از عدل و داد می‌کند کافی است و باید به همین اکتفا کنیم؟!

شاید مراد از معرفت فراتر از این باشد. از حضرت سیدالشهداء امام حسین (علیه السلام) سؤال

می‌پرسند:

«فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ»

راه شناختن خدا چیست؟

«قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»

حضرت فرمودند: خدانشناسی یعنی شناختن امام زمانی که معرفت و شناخت آن واجب و حق آن مسلم است.

علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج ۱، ص ۹، ح ۱

معرفت حق از اهل بیت (علیهم السلام) آغاز می‌شود.

«مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد،

ج ۴، ص ۵۷۶، ح ۲

هرکسی بخواهد به خداوند برسد، تنها راه رسیدن به معرفت و عبادت خداوند اهل بیت عصمت و طهارت است. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند:

«بِنَا عِبَادَ اللَّهِ وَ بِنَا عُرِفَ اللَّهُ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد،

ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۱۰

حضرت به صراحت می‌فرمایند: به وسیله ماست که خداوند عالم عبادت می‌شود و توحید خداوند عالم توسط ما اقامه می‌شود.

بنابراین ما باید نسبت به قضیه معرفت خود در برابر اهل بیت یک تجدید نظر کنیم و ببینیم جایگاه و مقام این بزرگواران در چه حدی است و آن‌ها چه جایگاهی نزد خداوند عالم دارند.

بنده امشب در این محفل نورانی می‌خواهم چند روایت و جملاتی از بزرگان، مراجع و استوانه‌های علمی شیعه قرائت کنم. روایت اول از امیرالمؤمنین است که در نامه‌ای به معاویه در پاسخ به او می‌نویسد.

«ابن ابی الحدید معتزلی» سنی مذهب می‌گوید: "اگر آفرینش و خلقت معاویه هیچ فلسفه و حکمتی نداشت، جز اینکه باعث شد امیرالمؤمنین چنین نامه‌ای بنویسد و پرده از روی یک حقیقت ناگفته بردارد کفایت می‌کند." حضرت در نامه ۲۸ «نهج البلاغه» می‌فرماید:

«فَإِنَّا صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ النَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا»

ما ساخته و پرداخته خداوند هستیم و مردم ساخته و پرداخته ما هستند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص

۳۸۶، خ ۲۸ و من کتاب له ع إلی معاویة جوابا

من از فضلا و عزیزان روحانی مجلس تقاضا دارم نسبت به این تعبیر امیرالمؤمنین دقت بیشتری داشته باشند. بعضی افراد ادعا می‌کنند که مراد از «صَنَائِعُ» تربیت شده خداوند است.

آیا تربیت شده خداوند با «وَ النَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا» همخوانی دارد؟! آیا تمام خلائق تربیت شده اهل بیت هستند؟! شاید مراد از «صَنَائِعُ» بسیار فراتر از این معانی باشد!!

همچنین در توقیع حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا له الفداء) نسبت به «ابن ابی غانم» که «مرحوم شیخ طوسی» در کتاب «الغیبة» صفحه ۲۸۵ نقل می‌کند حضرت تعبیر دیگری دارد. آن بزرگوار می‌فرماید:

«وَ نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا»

الغيبة (للطوسی) / کتاب الغيبة للحجة، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح:
تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، ص ۲۸۵، فصل ۴- فصل بعض معجزات الإمام المهدي ع و
ما ظهر من جهته ع من التوقيعات علی یدی سفرائه

در اینجا کلمه «و النَّاسُ» هم نیست، بلکه واژه «الْخَلْقُ» را به کار می‌برد.

امام خمینی در کتاب «مصباح الهدایة و الولاية» در ذیل یکی از فرازهای شرح دعای سحر که
می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا، وَ كُلِّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ
كُلَّهَا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان،
ج ۹۴، ص ۳۷۰، ح ۱۶

به عنوان یک فقیه مسلم، نه به عنوان یک کارشناس و رجل سیاسی به حدیث مشیت اشاره می‌کند و
می‌نویسد ما روایات صحیح داریم و روایتی در کتاب «کافی شریف» است که می‌فرماید:

«خَلَقَ اللَّهُ الْمَشِيئَةَ بِنَفْسِهَا، ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيئَةِ»

خداوند مشیت را بخود مشیت آفرید، سپس چیزها را با مشیت آفرید.

کافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: دارالحدیث، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۳۰۴

خداوند عالم تمام هستی را با مشیت آفرید، مشیت را مباشرة بدون واسطه آفرید. سپس امیرالمؤمنین
می‌فرماید:

«فهم ... قدرة الله و مشية»

المجلسي، محمد باقر_متوفى ۱۱۱۱ق_، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۵، ص ۱۷۴، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

آن مشیتی که خداوند مستقیم و بدون واسطه آفرید و خلاق به واسطه مشیت آفریده شد، ما اهل بیت هستیم. بنابراین قضیه جایگاه ائمه اطهار (علیهم السلام) فراتر از این است که ما تصور می‌کنیم . اجازه بدهید در رابطه با زیارت مطلقه امام حسین (علیه السلام) که «مرحوم محدث قمی» آورده است، برای شما سخن بگویم. ایشان در «مفاتیح الجنان» زیارات متعددی از جمله زیارت شب نیمه شعبان و زیارت بیست و هفت رجب آورده است.

ایشان همچنین زیارات مطلقه‌ای را آورده است؛ اولین زیارتی که «محدث قمی» در «مفاتیح الجنان» آورده است، زیارتی است که «کلینی» در کتاب «کافی» جلد چهارم صفحه ۵۷۵ آورده است و «مرحوم شیخ طوسی» در کتاب «تهذیب الأحکام» جلد ۶ صفحه ۵۴ آورده است.

همچنین «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «من لا یحضره الفقیه» و کتاب «کامل الزیارات» اثر «ابن قولویه» صفحه ۲۰۰ این روایت را آورده است.

جالب اینجاست که «شیخ صدوق» می‌گوید: من در میان زیارات متعدد امام حسین این زیارت را انتخاب کردم؛

«لأنَّهَا أَصْحَ الزِّيَارَاتِ عِنْدِي مِنْ طَرِيقِ الرَّوَايَةِ وَ فِيهَا بَلَاغٌ وَ كَفَايَةٌ»

صحیح‌ترین زیارت امام حسین نزد من همین زیارت است که در آن حق مطلب ادا و رسانده شده است.

من لا یحضره الفقیه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج

۲، ص ۵۹۸، ح ۳۱۹۹

«وَفِيهَا بَلَاغٌ وَ كَفَايَةٌ» به زبان ساده این است: در خانه اگر کس است، یک حرف بس است! من از همه عزیزان تقاضا دارم اگر امشب بتوانند همین زیارت اول از زیارات مطلقه امام حسین را از «مفاتیح» انتخاب کنند، کار باارزشی است.

این روایت را تمامی علما از جمله «کلینی»، «شیخ طوسی»، «شیخ صدوق» و «ابن قولویه» آورده است و صحیح‌ترین زیارات است.

عزیزانی که این زیارت را می‌خوانند، چندین مرتبه به معانی آن مراجعه کنند تا ببینند چه معارف سنگین و مضامین زیبایی در این زیارت از ائمه اطهار نقل شده است.

به تعبیر امام راحل ائمه اطهار یک سری از مقامات خود را در قالب روایت نمی‌توانستند بیان کنند به همین خاطر در قالب دعا و زیارت بیان کردند. قسمتی از این زیارت، همان عباراتی است که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم؛

«بِكُمْ يَفْتَحُ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ بِكُمْ يَنْبِئُ»

تا جایی که می‌فرماید:

«وَ بِكُمْ تُنْبِئُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا»

به سبب شماس است که زمین درختان و گیاهانش را می‌رویاند.

«وَبِكُمْ تُخْرَجُ الْأَشْجَارُ أثمارها»

و به سبب شماست که درختان میوه می دهند.

امام در یکی از فرازها پرده را بالا می زند و تعبیری دارد که من بهترین و زیباترین تعبیری که در مقام امام یافتم همین است.

«إِزَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَضُرُّ مِنْ بُيُوتِكُمْ»

اراده خداوند در تمام تقدیر عالم هستی بر قلب شما نازل می شود و از قلب شما صادر می شود.

کامل الزیارات، نویسنده: ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین،

ص ۲۰۰، ح ۲

معرفت امام به همین معناست. اگر امام حسین می فرماید: "معرفة الله از معرفة الإمام آغاز می شود" به همین معناست. قلوب ائمه اطهار محل نزول و صدور ارادة الله است.

اگر چنین است، ما باید مقداری در شناخت خود از امام تجدید نظر کنیم. روایت دیگری از حضرت بقية الله الأعظم بیان شده است که «مرحوم شیخ طوسی» در «کتاب الغیبة» صفحه ۲۴۷ دارد و می نویسد:

«قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَةِ اللَّهِ»

قلب ما ظرف مشیت الله است.

الغیبة (للطوسی) / کتاب الغیبة للحجة، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح:

تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، ص ۲۴۷، فصل ۲ - فصل الکلام فی ولادة صاحب الزمان و

إثباتها بالدلیل و الأخبار

خداوند عالم در عالم هستی هرچه اراده کند، از طریق و کانال ما می‌گذرد. همان جمله‌ای که بارها شنیده‌ایم و نقل کرده‌ایم چنین است:

«بِیْمْنِهِ رُزْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَيَّنَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح:

اعلمی، علاءالدین، ص ۴۲۳، باب دعاء العذیلة الکبیر

به همین معناست. بنابراین اگر ما در این زمینه مقداری بیشتر دقت کنیم امام شناسی و معرفه الإمام ما مقداری بالا می‌رود.

«مرحوم آیت الله اصفهانی» مشهور به «کمپانی» از شاگردان برجسته «آخوند خراسانی» استاد مراجع بزرگواری همانند آیت الله العظمی خوئی و دیگران حاشیه‌ای بر کتاب «مکاسب» اثر «شیخ انصاری» دارد. در صفحه ۳۷۹ در رابطه با بحث بیع فضولی که آیا ولایت متعلق به چه کسی است. ایشان در مورد ولایت الله، ولایت النبی و ولایت الإمام مطالبی بیان می‌کنند. زمانی که به ولایت ائمه می‌رسد، تعبیر زیبایی دارد که انسان از این تعبیر لذت می‌برد. او می‌نویسد:

«لهم الولاية المعنوية و السلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية و التشريعية»

حاشیه کتاب مکاسب، نویسنده: اصفهانی، محمد حسین کمپانی، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۳۳۷

دوستان ایشان دیگر چیزی باقی نگذاشت. جایگاه امام و معرفه الإمام همین است! معرفت شناسی که ما را به خدا شناسی می‌رساند همین است!

درست نیست تنها بگوییم که امیرالمؤمنین خلیفه و امام بودند و یک سری خطبه‌هایی دارند، ما هم کنار قبر ایشان زیارت می‌کنیم و امید شفاعت داریم.

«مرحوم امام خمینی» در کتاب «مصباح الهدایة و الولاية» صفحه ۵۷ از «مرحوم محمد رضا قمشه‌ای» یکی از عرفای بزرگ و استادشان تعبیر بسیار ظریفی دارند. بنده تنها این تعبیر را قرائت می‌کنم و از ترجمه و شرح آن معذورم. ایشان می‌گویند:

«فالحقیقة المحمّدية هی الّتی تجلّت فی صورة العالم والعالم من الذرّة إلى الذرّة ظهورها وتجلّیها»

هرچه در عالم است تجلی سلسله جلیله محمدیه است و غیر از این چیز دیگری نیست.

مصباح الهدایة إلى الخلافة والولاية، نویسنده: السید الخمینی، ص ۵۷، باب نور ۲۰

مشاهده کنید چه تعبیر زیبایی است!! امام شناسی و معرفة الإمام همین است. ما باید مقداری دقت کنیم تا مسئله امام شناسی و مهدی شناسی خود را در چنین شب‌هایی بالا ببریم. در روایت وارد شده است شب احیایی که عبادت آن از هزار ماه برتر است؛

(لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ)

شب قدر بهتر از هزار ماه است!

سوره قدر (۹۷): آیه ۳

در روایت وارد شده است اگر کسی شب احیاء به مطالب علمی و مسائل معرفتی بپردازد، خداوند عالم، هفتاد برابر آن کسی که عبادت می‌کند به او ثواب عطا می‌کند.

اگر کسی در مسجد مشغول عبادت و قرآن خواندن است و شخص دیگری مشغول کارهای علمی و معرفتی است، ثواب شخص دوم هفتاد هزار ماه است.

«صاحب مفتاح الكرامة» یکی از اساتید برجسته «مرحوم صاحب جواهر» است. «صاحب جواهر» معتقد است که اگر «صاحب مفتاح الكرامة» نبود، من نمی‌توانستم کتاب «جواهر» را بنویسم. ایشان آخر جلد سوم یا چهارم نوشته است:

"من در شب قدر در نجف اشرف بودم. مردم در حرم امیرالمؤمنین مشغول عبادت، قرآن به سر گرفتن و تلاوت قرآن بودند در حالی که من مشغول نوشتن این کتاب فقهی بودم. بنده معتقد هستم ثواب من هفتاد برابر کسانی است که در مسجد مشغول عبادت هستند."

معرفت ارزش زیادی دارد!! رسول اکرم نشسته بودند و اصحاب هم کنار آن بزرگوار بودند. آن حضرت از صحابه پرسیدند: بافضیلت‌ترین انسان چه کسی است؟!

یکی از اصحاب گفت: یا رسول الله! کسی که بسیار نماز می‌خواند. دیگری گفت: کسی که زیاد روزه می‌گیرد. شخص سوم گفت: کسی که انفاق می‌دهد. هرکسی جمله‌ای گفت، اما حضرت جواب هیچیک از آنها را قبول نکردند.

یکی از اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! افضل الناس از دیدگاه شما چه کسی است؟! رسول گرامی اسلام فرمودند: بافضیلت‌ترین انسان‌ها کسی است که معرفت و شناختش بالا باشد.

بنابراین ان‌شاءالله در چنین شب‌هایی تلاش کنیم یکی از بهره‌وری‌هایی که از این محافل نورانی می‌کنیم، این باشد که معرفت خود را نسبت به ساحت مقدس حضرت ولی عصر بالا ببریم.

دومین نکته‌ای که در جلوه معرفتی می‌خواهم به آن اشاره‌ای کرده باشم و آن هم با عبارتی از حضرت ولی عصر است که «مرحوم علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد ۵۳ صفحه ۱۷۴ در توفیق حضرت ولی عصر به «شیخ مفید» آورده است عبارت بسیار عمیقی است.

اگر در این شب احیا بهره‌ای نداشته باشیم غیر از توجه به مضمون این روایت و التزام به مؤدای این روایت کافی است. حضرت می‌فرماید:

«فَإِنَّا يَحِيْطُ عِلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَغْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»

ما احاطه علمی بر همه داریم و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان،

ج ۵۳، ص ۱۷۵، ج ۷

حضرت امام خمینی در همین کتاب «مصباح الهدایة و الولاية» تعبیری دارند که می‌گویند: علم امام به عالم هستی از علم عالم هستی بر خودش قوی‌تر و نافذتر است.

لازم به ذکر است که قوی‌ترین علم، علم حضوری و علم انسان بر خودش است. علم امام بر ما از علم ما بر ما هم قوی‌تر است.

«أحمد بن ابی نصر بزندی» شخصیتی است که عزیزان روحانی و اساتید و فضلی ما با اسم ایشان آشنا هستند. ایشان هم عضو اصحاب اجماع است و هم جزو مشایخ الثقات است. ایشان جزء کسانی است که در حق او می‌گویند: "لا یروی و لا یرسل الا عن ثقة!"

ما در میان چهارده هزار راوی تنها سه راوی داریم که مرسلات و مسنداتشان یکی است. یکی از این سه نفر «أحمد بن ابی نصر بزندی» از اصحاب امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام) است.

ایشان نقل می‌کند که ما به همراه تعدادی همانند «محمد بن ابی عمیر» و دیگران به مدینه خدمت امام هشتم رفتیم و سؤالاتی داشتیم. همراهیانم سؤالات خود را پرسیدند و رفتند، اما به دلیل اینکه سؤالات من بیشتر بود نزد امام ماندم.

پاسی از شب گذشت و خواستم بروم، اما حضرت فرمود: أحمد بن ابي نصر بزنتی! وقت گذشته است. در منزل ما استراحت کن و فردا به منزل خودت برو. من هم که دنبال بهانه بودم، ماندم.

حضرت به خادم خود فرمود: در اتاقی که من هرشب می‌خوابم رختخواب اختصاصی من را پهن کن تا «أحمد بن ابي نصر بزنتی» در آنجا استراحت کند.

او می‌گوید: من از خوشحالی بال درآورده بودم، زیرا در منزل امام زمانم در اتاق ویژه و اختصاصی امام در داخل رختخواب اختصاصی امام می‌خوابیدم. هوا تاریک بود و من که لحاف را روی سر خود کشیده بودم به خود می‌بالیدم. با خود می‌گفتم: عجب سعادت و افتخاری نصیب من شده است که در خانه امام داخل رختخواب امام عصر خوابیدم. یک مرتبه دیدم امام رضا در را زدند و فرمودند: آقای بزنتی! خوابیدن در خانه و درون رختخواب امام فضیلت نیست، بلکه فضیلت به تقواست.

(إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ)

گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

سوره حجرات (۴۹): آیه ۱۳

«بزنتی» می‌گوید: در این تاریکی چیزی از ذهنم گذشت، اما امام رضا از این خطورات ذهنی من هم اطلاع داشت و باخبر شد. آری همان تعبیر امام هست که می‌فرماید:

«فَإِنَّا يَحِيطُ عَلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»

دوستان عزیز، سرورانم، برادرانم، خواهران گرامی! اگر ما این نکته را ملتزم شویم که حضرت ولی عصر به اذن الله تبارک و تعالی ما را می‌بیند و از تمام اعمال و کردار ما و آنچه از زوایای ذهن ما می‌گذرد آگاهی دارد یقیناً نه تنها گناه نمی‌کنیم؛ بلکه فکر گناه هم نمی‌کنیم.

«ابو الصباح کنانی» یکی از اصحاب ویژه امام باقر و امام صادق می‌گوید: به منزل امام باقر رفتم و در زدم. کنیزی آمد در را باز کند و من هم به او دست زدم و گفتم: به امام باقر بگو «أبو صباح کنانی» آمده است.

مشاهده کردم امام از همان اتاق صدا زدند: یا أبا الصباح الکنانی! در عزای مادرت بنشین. چرا در این دل شب دست به نامحرم می‌زنی؟!!

عرض کردم: یابن رسول الله! چیزی از ذهنم گذشت. می‌خواستم ببینم آیا شما از همه کارهای ما باخبر هستید و از هر آنچه از ما سر می‌زند اطلاع دارید یا خیر. بنابراین خواستم اطمینانم بیشتر شود.

امام باقر در جواب فرمودند: أبا الصباح کنانی! اگر تو معتقد هستی این در و دیوار میان ما و شما فاصله می‌اندازد و ما از کارهای شما بی‌اطلاع هستیم، بد عقیده‌ای داری. در و دیوار میان ما و شما هرگز فاصله نمی‌اندازد.

«ابو بصیر» یکی از شخصیت‌های برجسته بنا به نقلی جزو اصحاب اجماع است. ایشان ساکن کوفه و یکی از فقهای مشهور کوفه بود. ایشان می‌گوید: به مدینه رفتم و خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم.

حضرت مرا مورد عتاب و خطاب قرار دادند و فرمودند: أبا بصیر! در جلسات آموزش قرآن که برای بعضی از خانم‌ها برگزار می‌کنی، چرا با آن‌ها شوخی و مزاح می‌کنی؟! مگر شیعه با زن نامحرم شوخی می‌کند؟!!

«ابو بصیر» می‌گوید خجالت کشیدم، سرم را پایین انداختم و عرض کردم: "یا بن رسول الله! از خداوند عالم برایم طلب مغفرت کن. قول می‌دهم دیگر چنین کاری انجام ندهم." «مرحوم مجلسی» در کتاب «بحار الانوار» جلد ۴۶ صفحه ۲۴۷ این روایت را آورده است.

در اوایل کتاب «قرب الإسناد» اثر «مرحوم حمیری» داستانی از همین «ابو بصیر» وارد شده است. او می‌گوید: با تعدادی از دوستانم به قصد تشریف خدمت امام صادق (علیه السلام) به مدینه رفتیم و همسر خود را نیز همراهم برده بودم.

شب غسل جنابت به گردنم آمد و صبح زمانی که برای غسل کردن می‌رفتم، مشاهده کردم که دوستانم خدمت امام صادق می‌روند. من ترسیدم اگر به حمام برم، غسل کنم و برگردم از این فضیلت محروم شوم و با همین تفکر با همان وضعیت خدمت امام رسیدم.

زمانی که خدمت امام صادق رسیدم، حضرت فرمودند: ابا بصیر! مگر نمی‌دانی خانه انبیاء و ائمه را با حالت جنابت نباید آمد؟!

«فَإِنَّا يَحِيطُ عَلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»

اگر واقعاً ما ملتزم باشیم به مؤدای این روایت، برای ما کافی است. بنده می‌خواهم دو سؤال مطرح کنم و به اختصار به این دو سؤال بپردازم، سپس ان شاء الله دعا کنم.

سؤال اول این است که چگونه می‌شود به امام زمان رسید؟! اصلاً می‌شود به امام زمان رسید، یا خیر؟!

نکته اول این است که همگان می‌دانند در زمان غیبت صغری و غیبت کبری بزرگان الی ماشاءالله خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه رسیده‌اند.

از «سید بن طاووس» سؤال می‌کنند: که می‌شود خدمت حضرت رسید؟! ایشان در جواب می‌گویند: به قدری خدمت مولایم رسیده‌ام که با تَن صدایش آشنا هستم. اگر از دور صداهایی بشنوم می‌توانم صدای حضرت مهدی را از میان صداها تشخیص دهم.

زمانی که یکی از نزدیکان و عزیزان شما زنگ بزند، شما با تَن صدای ایشان آشنا هستید و صدایشان را تشخیص می‌دهید. «سید بن طاووس» می‌گویند: به قدری خدمت مولایم رسیده‌ام که با تَن صدای ایشان هم آشنا هستم.

از «سید بحر العلوم» سؤال می‌پرسند: آیا می‌شود خدمت حضرت ولی عصر رسید؟! «سید بحر العلوم» سرش را پایین انداخت و گفت:

«کیف أجیب له و قد ضمنی الی صدره»

من به این سؤال چطور پاسخ بدهم حال آنکه حضرت بارها مرا به آغوشش کشیده است.

المجلسي، محمد باقر _متوفای ۱۱۱۱ق_، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقیق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

این تعابیر، تعابیری بسیار ظریف و دقیق است. ما باید تلاش کنیم راه رسیدن به مولایمان و راه رسیدن به پابوسی و بوسه باران کردن غبار نعلین مولایمان را فراهم کنیم. حال اینکه چگونه می‌شود به این مهم رسید، بحث دیگری دارد.

این سؤال تنها یک جواب دارد و آن هم این است که راه رسیدن به حضرت انجام واجبات و ترک محرمات است. بیش از این چیزی از ما نمی‌خواهند!!

توقیعی به «شیخ مفید» آمده است که گمان می‌کنم عزیزان به قدری این توقیع را شنیده‌اند که آن را حفظ هستند. حضرت به «شیخ مفید» می‌فرمایند: علت اینکه شیعیان ما از سعادت زیارت ما محروم هستند؛

«فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكَرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ»

به این جهت است که کارهایی انجام می‌دهند که موجب کراهت ماست.

المزار، نویسنده: الشیخ المفید، ص ۱۱، باب نسخة التوقیع بالید العلیا علی صاحبها السلام

اعمالی از شیعیان سر می‌زند که مرضی حضرت صاحب الزمان نیست. حضرت به صراحت می‌فرمایند: اگر شیعیان این کارها را ترک کنند، راه رسیدن به ما هموار است.

حضرت آیت الله خزعلی (رضوان الله تعالی علیه) قضیه‌ای را نقل می‌کنند. ما سال ۱۳۵۱ یا ۱۳۵۲ در درس مکاسب ایشان در مهدیه چهارمردان شرکت می‌کردیم. ایشان روزهای چهارشنبه یک ربع آخر درس مباحث اخلاقی می‌گفتند.

روزی ایشان قضیه‌ای گفتند که این قضیه برای من بسیار عجیب و تکان دهنده بود. ایشان نقل می‌کرد در یکی از روستاهای مشهد عالمی بود که مشغول رتق و فتق امور مردم و برپایی نماز جماعت و دیگر امور بود.

این عالم از دنیا می‌رود در حالی که فرزندی خالی از علم و فضیلت داشت. مردم به دلیل اینکه به پدر علاقه داشتند، پسر را به عنوان امام جماعت و روحانی خود انتخاب کردند.

مردم از او مسئله سؤال می‌کردند، اما او بلد نبود و هرآنچه به ذهنش می‌آمد و به دلش می‌افتاد را بیان می‌کرد. زمانی که او بالای منبر می‌رفت و می‌خواست صحبت کند روایتی را اشتباه می‌خواند و داستان‌هایی از گوشه و کنار سر هم می‌کرد، اما عذاب وجدان داشت.

او با خود می‌گفت: من شایسته این مقام نیستم و لیاقت روحانی بودن ندارم، چرا در این مسند باشم!! او به همین خاطر تصمیم می‌گیرد از این قضیه خداحافظی کند و پا روی نفس بگذارد. او رفت تا:

(وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى)

و آن کس که از مقام پروردگارش خائف بوده و نفس را از هوی باز داشته.

کند شاید به مرحله:

(فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى)

بهشت جایگاه او است.

سوره نازعات (۷۹): آیات ۴۰ و ۴۱

برسد. او روزی به مردم گفت: من از شما تشکر می‌کنم، اما آنچه از من در ذهن خود ساخته‌اید نیستم. مردم ابتدا تصور می‌کنند که ایشان دارد تعارف می‌کند، اما او می‌گوید: من تصمیم دارم از امام جماعت و رهبری دینی شما خداحافظی کنم. مردم عصبانی می‌شوند، بر سر او می‌ریزند، او را به شدت کتک می‌زنند و را از روستا بیرون می‌کنند.

ایشان تصمیم می‌گیرد به تهران بیاید و در حوزه علمیه تهران درس بخواند. مقداری آذوقه راه برمی‌دارد، منزل به منزل می‌آیند تا چند کیلومتر مانده به تهران با یکی از اولیاء حضرت ولی عصر دیدار می‌کند.

دوستان عزیز بعضی افراد گفته‌اند برای سیر و سلوک صد منزل باید رفت، بعضی معتقدند باید هزار منزل رفت و بعضی دیگر بر این عقیده هستند که باید هفت منزل رفت.

هفت شهر عشق را عطار گشت

ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم

اما امام راحل برای سیر و سلوک معتقد است بین انسان و الله یک منزل بیشتر نیست و آن هم مخالفت با هوای نفس است. قدم اول را بر روی هوای نفس بگذار و قدم دوم در کوی جانان هستی!!

(وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ)

آن فرد به این آقا می‌گوید: زمانی که به تهران می‌روی، نزد آیت الله العظمی کنی برو و از او بخواه به تو درس بدهد.

این شخص با جستجوی فراوان آیت الله العظمی کنی را پیدا می‌کند و به او می‌گوید: آمده‌ام تا به من درس بگویی. او می‌پرسد: چه درسی می‌خواهی؟! این شخص در جواب می‌گوید: جامع المقدمات، امثله و شرح امثله برای من بگویی.

مرحوم آیت الله العظمی کنی مقدار می‌خندد و با خود می‌گوید که این شخص را فریب داده‌اند تا به اینجا بیاید، اما از این جهت که انسانی با اخلاق بود شروع به صحبت کردن با او می‌کند.

زمانی که این شخص داستان زندگی خود را به ایشان می‌گوید ایشان می‌بیند درست است که این شخص می‌خواهد امثله و شرح امثله بخواند، اما طلاست. آیت الله العظمی کنی به ایشان می‌گوید: پسرم از فردا بیا تا من جامع المقدمات برای شما تدریس کنم.

این شخص می‌گوید: روزی که برای درس به حجره می‌رفتم، با کسی که رابط من و حضرت ولی عصر بود در میانه راه دیدار کردم.

من به او گفتم: زمان درس من می‌گذرد، اما او گفت: ناراحت نباش. دیشب آقای کنی نتوانست مطالعه کند. همسرش کتاب او را داخل رختخواب مخفی کرده بود تا مقداری با همسر گفتگو داشته باشد.

زمانی که این شاگرد خدمت آیت الله العظمی کنی می‌رسد، ایشان می‌گوید: امروز مقداری بحث‌های متفرقه داشته باشیم. شاگرد می‌گوید: همسر شما دیشب کتاب را داخل رختخواب مخفی کرده بود تا با همدیگر به گفتگو پردازید.

آیت الله العظمی کنی می‌گوید: پسر این حرف‌ها چیست؟! زبان خود را گاز بگیر!! این قضیه می‌گذرد و بعد از مدتی باز هم در وسط راه با همان فرد دیدار می‌کند.

این شخص به شاگرد می‌گوید: عجله نکن. الان که می‌روی سه نفر از تجار نزد آیت الله العظمی کنی آمده‌اند و می‌خواهند یک سری اموال خود را از گمرک ترخیص کنند.

افرادی که می‌خواهند اموال آنان را ترخیص کنند دروغ می‌گویند. آن‌ها ادعا کرده‌اند چند صد کیلو قند به ما بدهید تا ترخیص کنیم، اما قندها را می‌گیرند و ترخیص هم نمی‌کنند.

شاگرد به حجره می‌آید و می‌بیند آیت الله العظمی کنی با چند نفر از تجار مشغول صحبت است. زمانی که مسئله تمام می‌شود، شاگرد می‌گوید: کسانی که می‌خواهند اموال شما را ترخیص کنند دروغ می‌گویند. آن‌ها هدایای شما را می‌خورند و ترخیص نمی‌کنند.

آیت الله العظمی کنی در جواب می‌گوید: پسر من تو در کارهای بزرگ‌تران دخالت نکن. این قضیه هم می‌گذرد و بعد از سه یا چهار روز تجار خدمت آقا می‌آیند و می‌گویند: این افراد هرچه داده بودیم مصادره کردند و کالاها را هم ترخیص نکردند.

مرحوم کنی تکان می‌خورد و با خود می‌گوید: شاگرد ما آن روز به همین مطلب اشاره می‌کرد. سابقاً هم از مسائل داخل خانه ما اطلاع داشت. آیت الله العظمی خزعلی این داستان را به صورت مستقیم نقل می‌کرد.

زمانی که شاگرد برای درس می‌آید، مرحوم کنی به او می‌گوید: راستی تو چند روز پیش چنین حرفی زدی و قبلاً هم نسبت به مسائل منزل حرف دیگری زدی. این حرف‌ها را از کجا می‌دانی؟!

شاگرد در جواب می‌گوید: با یکی از دوستان حضرت ولی عصر ارتباطی داریم که گاهی اوقات مطالبی به من می‌گوید و من به شما می‌گویم.

مرحوم کنی تکان می‌خورد و با خود می‌گوید: بعد از چهل یا پنجاه سال خدمت در حوزه به چنین توفیقی دست پیدا نکردم، اما این شاگرد چند روز پیش از روستا به شهر آمده و با دوستان و نزدیکان حضرت ولی عصر مرتبط است.

مرحوم کنی به شاگرد گفت: امکان دارد از شخص بزرگواری که رابط تو و حضرت ولی عصر است وقت بگیری تا ما هم خدمت ایشان برسیم؟!

مدتی می‌گذرد، اما خبری از ملاقات نمی‌شود. زمانی که مرحوم کنی علت را از شاگرد خود جویا می‌شود، ایشان می‌گوید: به این شخص گفتم و او گفت به آقای کنی بگویید خود را اصلاح کند و بسازد تا ما به دیدن ایشان بیاییم. لازم نیست ایشان به ملاقات ما بیایند!!

این تعبیر، همان تعبیر حضرت ولی عصر است که می‌فرماید:

«فَمَا يَحْسِنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَنْصِلُ بِنَا مِمَّا نَكَرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ»

تنها چیزی که مانع میان ما و مولایمان است، اعمال و کرداری است که از ما سر می‌زند. اگر خود را اصلاح کنیم، قطعاً دوستان حضرت مهدی و خود آن بزرگوار به ما سر می‌زنند.

من می‌خواهم امشب نکته و رمزی به شما بگویم. یکی از اعمال امشب خواندن زیارت امام حسین است. نگفته‌اند امشب زیارت پیغمبر اکرم، زیارت امیرالمؤمنین و زیارت امام رضا را بخوانید؛ بلکه گفته شده زیارت امام حسین را بخوانید.

حضرت سید الشهداء باب الحجة است. یکی از راه‌های رسیدن به حضرت ولی عصر امام حسین است.

«مرحوم بافقی» که در بالاسر نزد مراجع دفن هستند، جمله‌ای دارند و می‌گویند: «ابراهیم بن مهزیار» بیست بار به مکه رفت تا یکبار به دیدار حجة بن الحسن موفق شود. اگر یک مرتبه به زیارت امام حسین رفته بود، در همان مرتبه اول دستش به دامن صاحب زمان می‌رسید.

بنابراین سیدالشهداء باب الحجة هستند. عزیزان دقت کنید هر روز دو دقیقه یا سه دقیقه بعد از نماز صبح به یاد مصائب حضرت سیدالشهداء اشک بریزید و با حضرت مهدی (ارواحنا له الفداء) هم صدا و هم ناله شوید.

حضرت صاحب الزمان می‌فرماید: یا جدا، یا حسین! اگر نبودم شما را در کربلا یاری کنم، به قدری در مصیبت شما اشک می‌ریزم که اگر اشک چشمانم تمام شود به جای اشک خون گریه می‌کنم.

مدتی این کار را امتحان کنید تا ببینید امام حسین درهای رحمت و درهای رسیدن به حضرت ولی عصر را چطور برای شما فراهم می‌کند. افراد زیادی هستند که از کانال امام حسین دستشان به دامن حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) رسیده‌اند.

سؤال دوم این است که اگر خدمت امام زمان رسیدیم، از آن بزرگوار چه بخواهیم؟! از حضرت صاحب الزمان ثروت، مال، فرزند، علم یا چه چیز دیگری بخواهیم؟! اگر از من می‌شنوید بهترین چیز از صاحب الزمان خواستن خود آن بزرگوار است.

خداوند آیت الله العظمی بهجت را بیامرزد. بنده توفیق داشتم یک سال یک درس خصوصی نزد ایشان داشتم و ساعت ۳ بعدازظهر خدمتشان می‌رسیدیم. یکی از توفیقات **«یا مبتدئاً بالنعیم قبل استحقاقها»** در زندگی من رسیدن خدمت ایشان بود.

روزی ایشان جمله‌ای گفتند که ظاهراً قضیه مربوط به خود ایشان بود. ایشان گفت: روزی یکی از بزرگان در جمکران بود و جمکران مملو از جمعیت بود.

این شخص خدمت حضرت ولی عصر عرض کرد: آقا جان! طرفدار و خواهان زیاد دارید. جمعیت زیادی از دور و نزدیک به عشق شما آمده‌اند.

حضرت به ایشان نگاه کرد و فرمود: تمام این جمعیت برای خودشان آمده‌اند. هرکسی برای حوائج دنیایی آمده است و تنها از این جمعیت دو نفر آمده‌اند که از خداوند عالم من را می‌خواهند. این دو نفر از خود من، خود من را می‌خواهند نه کسی دیگر!!

تلاش کنیم اگر چنین توفیقی چه در بیداری چه در رؤیا پیدا کردیم و خدمت آن بزرگواران رسیدیم، از آن‌ها خودشان را بخواهیم. اگر به خودشان وصل شدیم همه چیز داریم؛ هم دنیا داریم و هم آخرت داریم. هم ظاهر داریم و هم باطن داریم.

نکته دیگری که لازم است بگوییم و دعا کنم این است که ماه رمضان نزدیک است و دعاها به اجابت می‌رسد. امشب بعد از شب قدر بافضیلت‌ترین شب است. یکی از مواردی که باید از خداوند عالم بخواهید عاقبت بخیری است. این مسئله خیلی مهم است!!

مرحوم آیت الله العظمی اشراقی داماد امام خمینی می‌گوید: روزی در جماران با هم قدم می‌زدیم.

امام به من فرمودند: آقای اشراقی اگر شخصی از طرف خداوند عالم بیاید و به تو بگوید یک دعای مستجاب و حاجت صددرصد قبول شده از طرف خداوند عالم دارید، از خدا چه می‌خواهی؟!

آیت الله العظمی اشراقی می‌گویند من هرچه فکر کردم به نتیجه‌ای نرسیدم و به همین خاطر گفتم: اگر چنین اتفاقی برای شما بیفتد، شما خود از خداوند چه چیزی می‌خواهید؟! امام فرمودند: من از خداوند عالم عاقبت بخیری می‌خواهم.

خداوند مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد شاه آبادی استاذزاده امام را بیامرزد. بنده توفیق داشتم به مدت هشت سال درس خارج فقه و خارج اسفار و خارج مصباح العلوم را پای درس ایشان حضور داشتم.

ایشان خیلی روی این قضیه تکیه می‌کرد و می‌گفت: شب عاشورا تعداد زیادی با امام حسین تا دم در بهشت آمدند و فاصله آن‌ها با بهشت چند ساعت بیشتر نبود. امام حسین عبا را بر سر خود کشید و فرمود: هرکسی می‌خواهد برود، برود.

عده‌ای رفتند به این معنا که از دم در بهشت برگشتند. روز عاشورا آخرین لحظه عمر بن سعد شمشیر را به دست غلام خود داد و گفت: برو سر امام حسین را در گودی قتلگاه از بدن جدا کن! این جوان آمد که سر امام حسین را از بدن جدا کند، اما امام حسین به او نگاهی کرد.

نمی‌دانم چه نگاهی بود، اما این جوان آنچنان منقلب شد که با همان شمشیر که آمده بود امام حسین را بکشد با سپاهیان عمر بن سعد درگیر شد و جزء آخرین شهدا قبل از امام حسین بود. ایشان برای عاقبت بخیری و عاقبت به شری همین قضیه کربلا را مثال می‌زدند.

عزیزان تلاش کنیم یکی از مهم‌ترین چیزهایی که امشب از خداوند عالم می‌خواهیم عاقبت بخیری است. تلاش کنیم رابطه خود را با امام حسین بیشتر کنیم. از امام صادق روایتی نقل می‌شود که حضرت فرمودند:

«كلنا سفن النجاة، ولكن سفينة الحسين أوسع و أسرع»

منبع یافت نشد

نقل شده است امام هادی بیمار می‌شوند و بیماری‌شان مقداری طول می‌کشد. به همین خاطر یکی از اصحاب را به کربلا می‌فرستند تا زیر قبه دعا کنند. راوی می‌گوید: یا بن رسول الله! شما حجت خدا هستید، من برای حجت خدا دعا کنم؟!!

حضرت می‌فرمایند: خداوند به خاطر شهادت امام حسین سه چیز به آن بزرگوار عطا کرده است؛

شفا در تربت ایشان؛ خوردن تربت پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین و دیگر ائمه اطهار حرام است، اما خوردن تربت امام حسین شفاست.

الإجاب تحت قبته؛ یکی از چیزهایی که خداوند عالم به امام حسین داده و به هیچکسی دیگر نداده است، اجابت دعا تحت قبه آن بزرگوار است.

بنابراین اگر می‌خواهیم به حضرت ولی عصر برسیم، تلاش کنیم رابطه خود را با امام حسین بیشتر کنیم. ولو با یک دقیقه گریه کردن و یک لحظه چشم را اشک آلود کردن و یک لحظه قلب خود را به کربلا فرستادن، اما تلاش کنیم هیچ روزی را ترک نکنیم.

خدایا به آبروی امام حسین تو را سوگند می‌دهیم هرچه سریع‌تر لباس فرج بر اندام ملکوتی مولایمان بیوشان. خدایا ما را از یاران خاص، سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به ساحت مقدس حضرت صاحب الزمان در هر لباس و منصبی هستند بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی امام حسین رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا به آبروی حضرت سیدالشهداء و به آبروی حضرت ولی عصر حوائج حاجت مندان و حوائج جمع ما را همین شب برآورده نما.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، صدیقین، صالحین، شهدا بالأخص امام راحل صلوات غرائی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته